

## آمریکا

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۶، پائیز ۱۳۸۶

منوچهر محمدی، آمریکا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، ۲۰۲ص.

### مقدمه

از اوایل قرن بیستم، ایالات متحده هجده استعماری خود را از قاره آمریکا به سایر نقاط دنیا آغاز کرد و سعی نمود از طریق میسیونرهای مذهبی و با چهره‌های مردمی وارد سایر قاره‌ها، به ویژه خاورمیانه جهان اسلام گردد.

ورود آمریکا به ایران که در آن دوران تحت نفوذ استعماری دولتهای روسیه تزاری و پادشاهی انگلستان قرار داشت به عنوان چهره‌های فارغ از هر نوع اهداف استعماری و در جریان ملی شدن صنعت نفت، خود را در لباس حامی ملت و موافق قیام مردم نشان داد و علی‌رغم مشارکت سازمان سیا در کودتای ۲۸ مرداد، مخالفت جدی با سیاستها و نفوذ این دولت تا آغاز نهضت امام خمینی<sup>(ره)</sup> دیده نمی‌شود اما زمانی که حضرت امام<sup>(ره)</sup> قیام خود را علیه رژیم ستمشاهی آغاز کرد و با بیان تاریخی ایشان که «آمریکا از شوروی بدتر، شوروی از انگلیس بدتر، انگلیس از هر دو بدتر، همه از هم پلیدتر؛ لکن امروز سروکار ما با آمریکاست»، تقابل علنی و عمومی با سیاستهای استکباری آمریکا در ایران آغاز و با توجه به حمایت بی‌چون و چرای آمریکا از رژیم شاه در قیام مردمی علیه آن، روز به روز بر نفرت عمومی نسبت به دولت این کشور افزوده شد. این تقابل و نفرت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به خاطر توطئه‌های پی‌درپی دولتهای حاکم در آمریکا علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی، فزونی یافت: به طوری که حضرت امام<sup>(ره)</sup> آمریکا را «شیطان بزرگ» نامید و در عین حال، با طرح این مطلب که علی‌رغم اقتدار مادی این دولت به عنوان ابرقدرت، «آمریکا هیچ غلظی نمی‌تواند بکند»،

رعب و وحشت عمومی از این کشور را از دل عامه مردم ایران و مسلمانان عالم زدود. انقلاب مردم ایران که در سال ۵۷ به سرنگونی حکومتی استبدادی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی منجر شد، زمینه‌ساز پایه‌گذاری اندیشه سیاسی جدیدی شد که مصمم بود تا اراده الهی را از طریق رأی مردم به اجرا گذارد و احکام اسلام را به دست جمهوری مسلمانان پیاده سازد. انقلاب اسلامی در ایران که به رهبری امام خمینی<sup>(ره)</sup> به ثمر رسید، نشان داد که موج بیداری جهان اسلام توانایی حکومت‌سازی و حتی الگوسازی در حیطه حکومت را داراست. این انقلاب سبب تقویت مبارزات آزادی خواهانه جهان اسلام و ترویج اسلام‌گرایی پویا در جهان مدرن شد و فصل جدیدی را در روابط و چالشهای جهان اسلام و دنیای غرب گشود و نگاه برخی از مسلمانان را که زمانی برای نجات از حکومت‌های استبدادی و استعمارزده به مکاتبی نظیر سوسیالیسم و مارکسیسم چشم دوخته بودند، به مکتب اسلام معطوف کرد.

اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup> و نوع تلقی ایشان از اسلام سیاسی، که محور انقلاب اسلامی در ایران بود، از آغاز طرح و پس از استقرار در نظام جمهوری اسلامی، با چالشهایی روبه‌رو بود که یکی از مهم‌ترین آنها چالش با هژمونی آمریکا است.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌آید. اگر تحولات بلوک شرق را در اواخر دهه ۸۰ یا فروپاشی اتحاد شوروی را در اوایل دهه ۹۰ به عنوان مهم‌ترین رویدادهای این دو دهه تلقی کنیم، سقوط شاه ایران (مهم‌ترین متحد آمریکا در منطقه) و پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان مهم‌ترین رویدادهای دهه ۷۰ عنوان کرد که اثرات و پیامدهای آن تا به امروز همچنان در عرصه بین‌المللی مشهود است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران در شرایطی اتفاق افتاد که دو ابرقدرت آمریکا و شوروی دوران تنش‌زادایی با یکدیگر را طی کردند و از سوی هیچ سازمان اطلاعاتی پیش‌بینی نمی‌شد که یک کشور جهان‌سومی با مختصات ایران بر اساس مکتب اسلام بتواند رژیم سلطنتی را واژگون سازد.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت، اهداف، سیاستها و علکردهای داخلی و خارجی آن از همان ابتدای شکل‌گیری با مخالفت و ضدیت آمریکا روبه‌رو شد. آمریکا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را جزیره ثبات خود می‌دانست و در حقیقت، ایران ستون

اصلی سیاست آمریکا در خلیج فارس بود. سقوط ناگهانی و کامل رژیم پهلوی در ایران در اواخر سال ۱۳۵۷، تأثیر منفی زیادی بر استراتژی آمریکا در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برجا گذاشت. دکترین نیکسون بدون ایران بی‌معنا بود و استراتژی آمریکا در منطقه با از دست رفتن ایران آسیب پذیر شده بود. در همان سال ۱۳۵۷ آمریکا تلاش سیستماتیک را برای توسعه یک چارچوب استراتژیک جدید برای خلیج فارس مدنظر قرار داد و تا اواخر سال ۱۳۵۸ خط مشی‌های کلی آن، از جمله شناسایی اولیۀ نیروی واکنش سریع ارتش آمریکا، برنامه‌ریزی عملیاتی برای افزایش حضور نظامی آمریکا، حضور دائمی یک ناو هواپیمابر در نزدیکی دریای عرب و مباحثات اولیه با عمان، کنیا و سومالی در خصوص امکان به کارگیری از تسهیلات آنها تدوین شد.

هنگامی که سفارت آمریکا یا به عبارت دقیق‌تر لائۀ جاسوسی آمریکا در تهران مورد حمله دانشجویان پیرو خط امام قرار گرفت، کارشناسان نظامی آمریکا به این نتیجه رسیدند که توانایی ایران برای برنامه‌ریزی نیروهای نظامی موجود در منطقه فوق‌العاده محدود است. لذا از زمان شکل‌گیری انقلاب، با تمام توان به مقابله با آن پرداختند. مخالفت‌های همه‌جانبه آمریکا با جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب تاکنون، موضوعی است که احتیاج به ارائه دلیل ندارد. استراتژی مهار دو جانبه و فعالیت همه‌جانبه جهت جلب همکاری اروپا و ژاپن به منظور محاصره و تحریم اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، از آخرین اقداماتی است که آمریکا در این زمینه تدارک دیده است.

روی کار آمدن نومحافظه‌کاران و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر به مثابه رخدادی استراتژیک و به معنای نقطه عزیمت آمریکا برای باز تعریف نقش و موقعیت خود و استراتژی جدید فرصتی را برای آمریکا فراهم آورد تا بر هندسۀ امنیت جهانی نگاه جدیدی بیندازد و برای شکل‌دهی به تغییرات موردنظر خود از عنصر قدرت نظامی استفاده کند.

با توجه به درگیری مستمر و تقابل انقلاب اسلامی با سیاست‌های خصمانه و استکباری ایالات متحده آمریکا، نوشته‌ها، پیامها و سخنرانی‌های حضرت امام<sup>(ره)</sup> و خلف صالح ایشان، مشحون از اتخاذ مواضع در قبال سیاستها، توطئه‌ها و عملکرد دولتهای آمریکاست. از آنجا که این مطالب در دوره‌های مختلف و در قبال مسائل متفاوت مطرح شده و متن مسنجم و نظام یافته‌ای که بیانگر مواضع رهبر معظم انقلاب اسلامی در قبال آمریکا باشد، به رشته تحریر

در نیامده؛ کتاب حاضر با هدف رفع نیاز فوق، تدوین و به استخراج و بیان مواضع رهبر معظم انقلاب در قبال آمریکا پرداخته است.

### سازماندهی محتوایی

مباحث این کتاب در هشت فصل به شرح زیر تدوین شده است:

فصل اول: جامعه آمریکا؛

فصل دوم: آمریکا و استکبار؛

فصل سوم: آمریکا و حقوق بشر؛

فصل چهارم: آمریکا و تروریسم؛

فصل پنجم: آمریکا و سایر ملتها؛

فصل ششم: آمریکا و جهان اسلام؛

فصل هفتم: آمریکا و ایران؛

فصل هشتم: آینده آمریکا.

**فصل اول** به بیان مواضع مقام معظم رهبری در رابطه با جامعه آمریکا می‌پردازد. در

این فصل آمده است:

«... ما با ملت آمریکا کاری نداریم، دشمنی هم نداریم؛ مثل بقیه ملت‌هایند. البته در این سالهای طوفانی، رژیم آمریکا با تبلیغات پیگیر، آن ملت را شتشوی مغزی زیادی داده است. خیلی از افراد ملت آمریکا نمی‌دانند که در ایران چه خبر است و اصلاً قضیه ایران چیست. چیزهایی شنیده‌اند: ارتجاع و اصولگرایی و ضدیت با حقوق بشر! اینها را دولتها و تبلیغاتچی‌هایشان به آنان گفته‌اند، مردم هم باور کرده‌اند؛ و الا مردم آمریکا به خودی خود، ملتی مثل بقیه ملت‌هایند و ما هم هیچ دشمنی‌ای با آنها نداریم. ما با هیچ ملتی دشمنی نداریم.»

«رژیم آمریکا خیال می‌کند که صاحب امتیاز دنیاست و سرپرستی دنیا متعلق به اوست! اصلاً اینها ملتها را به حساب نمی‌آورند؛ ملت خودشان را هم به حساب نمی‌آورند. اگر تحلیل‌کننده‌ای درست تحلیل کند، معلوم خواهد شد که اینها برای نفوس بشری اصلاً ارزش قائل نیستند.»

امروز در دنیا... در دمکرات‌ترین کشورهای جهان؛ یعنی کشورهایی که با همین

دموکراسی غربی اداره می‌شوند- مثل کشور آمریکا- نقش و حضور مردم در اداره و هدایت کشور به قدر ایران نیست».

«آمریکا و استکبار» عنوان **فصل دوم** کتاب است.

در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر توانایی‌های سیاسی نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض‌آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی- یعنی ملتها و دولتها و کشورها- را با سیطره‌ای قلدرانه تحقیرآمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست‌اندازی می‌کند؛ به دولتها زور می‌گوید و به ملتها ستم می‌ورزد و به فرهنگها و سنتهای آنان، اهانت روا می‌دارد».

«معنای استکبار این است که دولت و قدرت و شخصی، با تکیه به زوری که دارد، راه را برای اعمال زور در هر جایی که بخواهد، باز ببیند و به هر کسی و هر ملتی که اراده کرد، فشار و ضربت وارد کند و مال هر ملتی را که اراده کرد، از او بگیرد و در امور هر ملت و جمعیت و شخصی که مایل بود و اراده کرد، دخالت کند و خجالت هم نکشد. زشت‌ترین کارها را انجام بدهد و نام زیباترین کارها را روی زشت‌ترین کاری که انجام داده، بگذارد و از کسی خجالت نکشد و واهمه نکند».

«استکبار، یعنی گردن کلفتی و قلدری و آدمکشی و شرم نکردن و ابا نکردن و تجاوز توأم با وقاحت و سر را بالاگرفتن و سینه را سپر کردن. نظامی که امروز قدرتهای مقتدر عالم دارند، نظام استکباری است».

«اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش آمریکا تطبیق می‌کند. امروز عمده مستکبران عالم آنها هستند. داستان استکبار برای همه ملتها، داستان تلخی است. استکبار؛ یعنی در دنیا قدرتی هست که به منافع ملتها و به خواست انسانها توجهی نمی‌کند؛ به مفاهیم ارزشی انسانی هیچ اعتنایی نمی‌کند و برای او فقط یک چیز اهمیت دارد و آن خود اوست؛ آن هم با روحیه تکبر، افزون‌خواهی و زورگویی! آن هم با زبان زور، با خشونت، با شدت، با بی‌رحمی و سفاکی! امروز آمریکا چنین وضعی دارد».

در این فصل تحت عنوان «استبداد آمریکایی تحمل نخواهد شد» آمده است:

«... بسیاری از ملتها، در گوشه و کنار دنیا همدست و یکپارچه شدند و محرومیتها و سختی‌ها را تحمل کردند و استبداد داخل کشور را خرد نمودند. این ملتها مبارزه کردند و استبداد داخلی را شکست دادند؛ یعنی اگر یک هم میهن خودشان خواست به آنها زور بگویید، او را از تخت سلطنت و قدرت و حکومت به زیر کشیدند و تحمل نکردند. ملت‌هایی که استبداد داخلی را تحمل نکردند، آیا استبداد آمریکایی را تحمل خواهند کرد؟! عجب غلطی و عجب اشتباهی!» «این قدرتی که ابرقدرتها برای خودشان درست کرده بودند، معلوم شد که افسانه است. البته ما می‌دانستیم. این حقیقت جاری بر زبان امام بزرگوارمان (رضوان اله تعالی علیه) که «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، یک بار دیگر آشکار شد. این هم یک نکته است که مورد توحه مردم دنیا قرار گرفت و باید حقیقتاً این نکته را فهمید و روی آن درست تکیه کرد. قدرتهای درجه یک عالم، با یکدیگر جمع شدند، اما کاری را که خیال می‌کردند می‌توانند انجام بدهند، نخواهند توانست انجام دهند. ابرقدرتها، با تشر و هیبت و ابهت ابرقدرتی، کارشان را پیش می‌برند؛ و الا از لحاظ قدرت محسوس و ملموس، اگر ملتی بخواهد و اراده کند، می‌تواند آنها را ناکام نماید».

#### در فصل سوم تحت عنوان «آمریکا و حقوق بشر» آمده است:

«من همیشه به کسانی که احساس ضعف می‌کردند، می‌گفتم: چرا شما باید فریب تبلیغات را بخورید؟ چرا باید خیال کنید که وقتی آمریکا از حقوق بشر می‌گوید، واقعاً نگران ضایع شدن حقوق بشر در ایران است؟ آنها برای بشر دل نمی‌سوزانند. آنها خودشان بزرگ‌ترین نقص‌کنندگان حقوق بشرند. آنها کسانی هستند که در روز روشن، هشتاد نفر آدم را در یکی از شهرهای آمریکا، زنده زنده، در یک خانه سوزاندند و خم به ابرویشان نیامد. آنها به بشر و حقوق بشر چکار دارند؟ حقوق بشر را چه می‌شناسند؟ یک وقت مسئله‌ای مثل زندان ابوغریب به وجود می‌آید و گوشه‌ای از آن برملا می‌شود، که آن را هم ماستمالی می‌کنند؛ کما اینکه کردند و به گردن هم انداختند و مسئله را تمام کردند».

#### فصل چهارم به تروریسم دولتی آمریکا می‌پردازد:

«آمریکا به عنوان حمله به دشمن، به یک عده انسان بی‌دفاع حمله می‌کنند؛ دهها موشک پرتاب می‌کنند. در سودان کارخانه‌ای را از بین می‌برند و تعدادی را نابود می‌کنند؛ فقط به این عنوان که ما تشخیص دادیم یا حدس زدیم یا فهمیدیم که دست دشمن ما در این

جاست! این روش غلطی است؛ این یک جنایت است. هر کس مرتکب این جنایت شود، محکوم است. دولت آمریکا هم محکوم است؛ او یک تروریست است. حرکت او، یک حرکت تروریستی است؛ تروریسم دولتی است. جرمش هم بزرگ‌تر از این است که افراد غیر مسئول مرتکب کارهای تروریستی شوند».

«چند سال قبل، یک ناو آمریکایی در خلیج فارس، هواپیمای مسافربری ایران را با قریب سیصد مسافر هدف قرار داد و آن را ساقط کرد و سوزاند و غرق نمود و همهٔ آنان را از بین برد. بعد هم که اعتراض و جنجال شد و دنیا به حقانیت ملت ایران در این حادثه واقف گردید، عذری خواستند و گفتند که ببخشید، اشتباه کردیم! عجب! اشتباه کردید؟! برخلاف عرف موجود بین همین قدرتمندان امروز جهانی - که خیلی هم به انسانیت و مبانی اخلاق اعتنایی ندارند - هواپیمای مسافربری را که محترم است و کسی اجازه ندارد به هواپیمای مسافربری تعرضی بکند، با قریب سیصد مسافر ساقط می‌کنید و بعد می‌گویید که اشتباه کردیم! غلط کردید اشتباه کردید! اشتباه کردیم یعنی چه؟ اگر فرماندهٔ آن ناو اشتباه کرده بود، پس چرا او را به محاکمه نکشیدید؟ چرا به او مدال دادید؟ چرا با انواع و اقسام گفته‌ها، به دشمنی‌های خودتان با ملت ایران ادامه دادید؟ چه اشتباهی؟ شماها در پیدا کردن هدفهای شوم، هیچ وقت اشتباه نمی‌کنید؛ در رسیدن به کار زشت بر ضد ملت‌های مستقل، هیچ وقت اشتباه نمی‌کنید؛ درست می‌روید و همان نقطه‌ای را که زشت‌ترین و بدترین است، پیدا می‌کنید. امروز استکبار جهانی این است، امروز آمریکا این است؛ اینها از جنایت باکی ندارند.» **فصل پنجم** به رفتار آمریکا در قبال سایر ملت‌ها اختصاص داده شده و «آمریکا و جهان اسلام» موضوع **فصل ششم** کتاب است. در این فصل آمده است:

«امروز دشمنان علیه اسلام قیام کرده‌اند، نه علیه تسنن یا تشیع یا فلان فرقه یا فلان جمعیت. دشمنان با اسلام بدند و با قرآن دشمنند. امروز دشمنی با ایران اسلامی به خاطر اسلام است؛ و آلا این همان ایرانی است که قلعهٔ آمریکا و استکبار بود. آنها با اسلام دشمنی عمیقی دارند؛ اسلام به معنای حکومت و نظام؛ اسلام زنده و اسلامی که حقیقتاً می‌خواهد خودش را بر واقعیت‌های موجود در فضای جهان تحمیل کند. آنها به قدری با این اسلام دشمنند که اگر بتوانند امروز آن را میان بردارند، منتظر فردا نمی‌شوند. من بر این اعتقادم که مبارزهٔ دسته جمعی آنها با جمهوری اسلامی، به این دلیل است که می‌دانند اگر جمهوری

اسلامی همین طور پیش برود و نهضت بیداری اسلامی به همین کیفیت، امیدوارانه در دنیا ادامه پیدا کند، از سلطه فرهنگ غربی که برایشان سلطه اقتصادی و سلطه سیاسی و سلطه همه چیز را به دنبال می آورد، دستشان کوتاه خواهد شد.

آنچه اسلام در مورد ارزش و اهمیت و اهداف انسان بیان می کند و آنچه اسلام در مورد خانواده و زن و هدف علم و روابط جوامع با یکدیگر و مناسبات اجتماعی اقویا و ضعف با هم می گوید، چیزهایی است که امروزه مردمی که در زیر تمدنهای گوناگون زندگی می کنند، وقتی به اینها می نگرند، احساس می نمایند که گره های زندگی شان با این چیزها باز و برطرف خواهد شد. لذا پیام اسلام پر جاذبه است. به همین دلیل هم برخورد استکبار جهانی و دستگاه های تبلیغی عالم - که به همان مراکز زورگویی و ظلم و انسان ستیزی و ابسته اند - با پیام اسلام، یک برخورد خشن و بسیار خصمانه است.

**فصل هفتم** کتاب به بیان مواضع مقام معظم رهبری در خصوص آمریکا و ایران می پردازد. در این فصل آمده است:

«کشوری که در همه زمینه ها - در زمینه اقتصادی، در زمینه صادرات، در زمینه واردات، در زمینه سیاست های فرهنگی و در زمینه رابطه با کشورهای دنیا - حرف و دستور و امر و نهی آمریکا را به حساب نیاورد، برای استکبار و یک ابرقدرت، خیلی سخت و غیرقابل تحمل است. مشکل آنها، این است. دشمنی آنها با ایران، سر این مسئله است.»

«امروز سیاست های استکباری و سیاست شناخته شده آمریکا علیه جمهوری اسلامی، بر روی نقاطی تکیه دارند که درست آن نقاط قوت ماست؛ یعنی آن چیزهایی است که نقاط قوت نظام ما و نظام دیپلماسی ماست. آنها روی این موارد تکیه دارند و می خواهند اینها را ضعیف کنند و از دست نظام خارج نمایند. لذا به هیچ وجه نمی شود با آنها کنار آمد و نرمش نشان داد.»

«آمریکایی ها می خواهند با تهدید، کار خودشان را پیش ببرند، اما نخواهند توانست؛ با دخالت هم نمی توانند. یاد و نام امام خمینی<sup>(ره)</sup> بزرگ - که خداوند فتح الفتوح تصرف دل هوشیاران این ملت و خیل عظیمی از مسلمانان و مستضعفان جهان را نصیب او ساخته بود و او با این سلاح الهی، قلعه های تصرف ناپذیر استکبار را یکی پس از دیگری گشود و رأس استکبار؛ یعنی آمریکای جهانخوار را مرعوب ساخت و تخت امپراتوری های بی منازع را



متزلزل نمود- مسلمانان جهان را بیدار کرد و هسته‌های مقاومت اسلامی را با دم گرم و صدای امیدبخش خود متشکل ساخت؛ جمهوری اسلامی را پدید آورد و از لابه‌لای هزاران مانع و مزاحم و معارض، به سلامت به اوج اعتبار و قدرت رسانید و خطرناک‌ترین دشمنان آن؛ یعنی سردمداران نظامهای غربی را بارها دچار ناکامی ساخت».

آخرین فصل- **فصل هشتم** - به آینده آمریکا می‌پردازد:

اینکه امام<sup>(ره)</sup> فرمودند: «آمریکا هم زایل خواهد شد»، زوال هر قدرتی یک طوری است. زوال قدرتی مثل آمریکا به این است که شما امروز مقدمات آن را دارید مشاهده می‌کنید. یک کار غیر قابل دفاع در بین نخبگان خودشان انجام دادند که منجر به ایجاد اختلافهای داخلی در جبهه سیاسی خودشان شد. اشغال عراق، یک عمل بی‌منطق و ماندن در عراق، یک عمل بی‌منطق و پرهزینه و سرتا پا نقض مبانی و اصول مسلم انسانی در همه جا. این چیزی است که امروز آمریکا را قدم به قدم - بدون آن که سیاستمداران ارشدشان درست متوجه باشند کجا دارند می‌روند- به سمت پرتگاه نزدیک می‌کند و در این هیچ تردیدی نیست. اینها دنیای اسلام و احساسات و عواطف دنیای اسلام را دست کم گرفتند. اینها شاید ندانند که با آنچه امروز در عراق دارد اتفاق می‌افتد، زمینه حضور قدرتهای استکباری غرب و به خصوص آمریکا تا سالهای متمادی دیگر در عراق نخواهد بود. آن‌چنان نفرتی بر دل این مردم سایه افکنده که زمینه فرهنگی را صددرصد علیه آنها بر خواهد گرداند، این زمینه فرهنگی، خیلی مهم است. اینها فکر می‌کردند که می‌توانند به سادگی این بازی پیچیده و بزرگ را ببرند؛ اما نخواهند توانست. شاید امروز هم تا حدودی این ناتوانی را حس کرده‌اند. بعضی‌شان که یقیناً حس کرده‌اند؛ آنهايي هم که تاکنون نفهمیده‌اند، در آینده نه چندان دور خواهند فهمید و طعم تلخ شکست را خواهند چشید».

«خاورمیانه، منطقه ثروتمندی است. طمع بلعیدن آن، اینها را آرام و راحت نمی‌گذارد؛ قصدشان بلعیدن این منطقه است. البته نمی‌توانند؛ با این لقمه گلوگیر است و آنها را خفه خواهد کرد. این سیاستها و این سوء نیتها متوجه کشور ما هم است، منتها از ایران اسلامی می‌ترسند. نه این که از من و امثال من بترسند؛ نه، از شما می‌ترسند؛ از ملت می‌ترسند؛ از ایمانتان می‌ترسند؛ از حضور شما در صحنه می‌ترسند؛ از انتخاباتان می‌ترسند؛ لذا نزدیک نمی‌شوند؛ لیکن طمعهای آنها هست».

آن چیزی که به نتیجه و پیروزی خواهد رسید، راه ماست، نه راه آمریکا. قلدری آمریکا شکسته خواهد شد. شاخ و دندان این حیوان وحشی و بی‌ملاحظه که هیچ‌چیز را در مقابل خود به حساب نمی‌آورد، درهم خواهد شکست».

«رژیم امروزی آمریکا، با پشتکار و ابتکار و نشاط مردمی در سالهای قبل به وجود آمد و به قدرت رسید و با حماقت و جلالت و سبکسری امروز سردمدارانش، رو به ضعف می‌رود و سرش به سنگ خواهد خورد. اگر امروز بگویند حکومت آمریکا که در همه جای دنیا قلدر منحصر به فردی شده است و در همهٔ امور عالم دخالت می‌کند، چند سال دیگر به یک کشور معمولی تبدیل خواهد شد و از های و هوی خواهد افتاد - یعنی سرنوشت انگلیس را خواهد داشت که تا چند سال پیش قدرت مطرحی بود، ولی امروز یک دولت درجه دو و سه‌ی دنیا است - بسیاری از ظاهربینان خواهند گفت: «این حرفها چیست؟ مگر همچنین چیزی امکان دارد؟» چند سال دیگر که بگذرد، ان شاء اله همه خواهند دید که این طور می‌شود.»